

گمانه‌هایی بر محتوای دیدار پزشکیان و پوتین در حاشیه GECF

از اورانیوم تا هرمز؛ با چاشنی میانجیگری!



حمیدرضا مهدیزاده

هم‌زمانی را یزنی‌های امنیتی تهران با اعضای پیمان مکه شامل عربستان، ترکیه و پاکستان با مسافر دیشب رئیس‌جمهور پزشکیان به مسکو، بار دیگر پرشش از نقش روسیه در معاملات منطقه‌ای و خصوصاً تقلاي تازهاش بابت میانجی‌گری میان تهران و واشنگتن را مجدداً برجسته کرده است؛ نقشی که همواره در قبال ایران کاسبکارانه بوده است.

برای ارزیابی نقش امروز روسیه، نمی‌توان سابقه در دناک این کشور در مذاکرات هسته‌ای ایران با پنج بعلاوه یک را نادیده گرفت. مسکو ظاهراً در شکل‌گیری توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵، موسوم به برجام، مشارکت داشت؛ ولی حاضر به امضایش نشد و در روزی که جوادظریف و جان کری به روی سن می‌رفتند، لاوروف عازم هواپیما بود به مقصد روسیه.

خانم‌ها و آقایان، به «میز سیاست خارجی توسعه‌ایرانی خوش آمدید.»



«مسعود پزشکیان»، رئیس‌جمهور ایران، شامگاه دوشنبه ۴ آبان ۱۴۰۵، برای سفری یک‌روزه عازم مسکو شد تا در هشتمین اجلاس سران مجمع کشورهای صادرکننده گاز (GECF) شرکت کند؛ اجلاسی که با حضور سران و نمایندگان کشورهای عضو بر گزار خواهد شد. بر اساس گزارش‌های منتشرشده، دیدار پزشکیان با ولادیمیر پوتین نیز در حاشیه این سفر یک‌روزه در دستور کار قرار دارد. همکاری‌های دو جانبه، مسائل انرژی و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی از محورهای مورد انتظار این ارزی‌بی‌هاست.

در نگاه نخست، این سفر در چارچوب دیپلماسی انرژی و هماهنگی میان کشورهای تولیدکننده گاز تعریف می‌شود؛ اما شرایط سیاسی و امنیتی حاکم بر منطقه، اهمیت آن را فراتر از دستور کار رسمی اجلاس برده است.

هر چند در روایت‌های مربوط به میانجی‌گری روسیه، موضوع انتقال اورانیوم به خاک این کشور نیز مطرح شده است. با این حال، برای آن نسبت دادن یک پیشنهاد رسمی و مشخص به کرملین یا اعلام رد قطعی آن از سوی تهران، باید به اظهارات رسمی و گزارش‌های معتبر و قابل استناد رجوع کرد. تازمانی که چنین شواهدی در دست نباشد، صورت‌بندی دقیق تر آن است که انتقال ذخایر به خارج از ایران را یکی از گزینه‌های مورد بحث در مناقشه هسته‌ای بدانیم، نه توافقی نهایی یا ابتکاری که جزئیات آن به‌طور قطعی روشن شده است

تهران و مسکو در مقطعی حساس از روابط خود قرار دارند؛ مقطعی که پرونده هسته‌ای ایران، تنش با واشنگتن، وضعیت تنگه هرمز و تلاش برای جلوگیری از گسترش درگیری‌ها، همگی بر محاسبات دیپلماتیک دو کشور سایه انداخته‌اند. این سفر همچنین پس از دیدار سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، از تهران و ملاقات اخیر پوتین با «اسنیو ویتکاف»، نماینده ویژه دونالد ترامپ، انجام می‌شود. پوتین در دیدار با ویتکاف بار دیگر آمادگی مسکو را برای کمک به حل بحران مرتبط با ایران اعلام کرد. در نتیجه، دیدار پیش‌روی رؤسای جمهور ایران و روسیه فرصتی برای بررسی این پرسش فراهم می‌کند که کرملین در شرایط کنونی چه نقشی می‌تواند در مسیر کاهش تنش میان تهران و واشنگتن ایفا کند؟

مسئله اصلی اماصر فاعلام آمادگی روسیه برای میانجی‌گری نیست. پرسش مهم‌تر این است که آیا ابتکارهای مسکو می‌توانند به توافقی پایدار و متوازن میان تهران و واشنگتن منجر شوند یا اینکه جنگ دوباره شروع خواهد شد؟

گره‌های کوردیپلماسی و محاسبات کرملین

تحولات خاورمیانه بار دیگر دیپلماسی ایران را در برابر مجموعه‌ای از پرونده‌های به هم پیوسته قرار داده است؛ از آینده مذاکرات هسته‌ای و سرنوشت ذخایر اورانیوم غنی‌شده گرفته تا امنیت کشنیرانی در تنگه هرمز و شکل‌گیری ترتیبات جدید امنیت منطقه‌ای.

در تهران، هم‌زمان با تشدید تنش‌ها و افزایش نگرانی‌ها درباره احتمال از سرگیری درگیری‌ها، ارزی‌نی‌های امنیتی با کشورهای منطقه اهمیت تازهای یافته است. مقام‌های ارشد عربستان سعودی، ترکیه و پاکستان در چارچوب توافق دفاعی مکه دیروز در پایتخت ایران با مقام‌های جمهوری اسلامی گفت‌وگو کردند؛ نشستی که دستور کار آن، بنا بر گزارش‌های منتشرشده، مسائل امنیت منطقه‌ای و راه‌های مهار بحران را در بر می‌گیرد. این تماش‌ها در شرایطی انجام می‌شوند که تلاش‌های میانجی‌گرانه پاکستان و قطر برای کاهش تنش میان تهران و واشنگتن همچنان با موانع جدی روبه‌روست.

در سوی دیگر، پرونده هسته‌ای و وضعیت تنگه هرمز همچنان از مهم‌ترین محورهای اختلاف میان ایران و ایالات متحده‌اند. گزارش فایننشال تایمز حاکی است که اختلاف بر سر ترتیب اقدامات متقابل، محدودیت‌های دریایی و سرنوشت ذخایر اورانیوم با غنای بالا، پیشرفت مذاکرات را دشوار کرده است. در این میان، پرسش اصلی برای تهران صرفاً یافتن یک میانجی نیست؛ بلکه اطمینان از آن است که هر توافق احتمالی، منافع ایران را تأمین کند و به تعهداتی یک‌طرفه یا موقت محدود نباشد. اما، یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که می‌تواند بر گفت‌وگوهای تهران و مسکو تأثیر بگذارد، پرونده هسته‌ای ایران و اختلافات حل‌نشده با ایالات متحده است. پوتین در دیدار اخیر خود با ویتکاف، آمادگی روسیه برای کمک به حل بحران را مطرح کرد. هم‌زمان، مقام‌های روسیه نیز از آمادگی مشروط مسکو برای میانجی‌گری میان

ایران و آمریکا سخن گفته‌اند. این مواضع نشان می‌دهد روسیه همچنان خواهان حفظ جایگاه خود در روندهای دیپلماتیک مرتبط با ایران است. با این حال، اعلام آمادگی برای میانجی‌گری با توانایی تضمین یک توافق تفاوت دارد. نتیجه هر ابتکار به مواضع تهران و واشنگتن، محتوای پیشنهاده‌ها و آمادگی طرف‌ها برای پذیرش تعهدات متقابل بستگی خواهد داشت.

برای ایران، مسئله اصلی در این روند آن است که میانجی‌گری به مسیری برای انتقال پیام‌ها و تسهیل مذاکرات محدود نباشد، بلکه در صورت شکل‌گیری توافق، زمینه‌ساز اجرای تعهدات دو طرف را نیز تقویت کند. تجربه برجام و خروج آمریکا از آن در سال ۲۰۱۸ نشان داده است که توافق سیاسی، بدون سازوکارهای مؤثر برای اجرای تعهدات و مدیریت اختلافات، در برآورد تغییرات سیاسی آسیب‌پذیر خواهد بود.

روسیه، مانند دیگر قدرت‌های حاضر در جهان، سیاست خارجی خود را بر پایه مجموعه‌ای از ملاحظات امنیتی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی تنظیم می‌کند. روابط این کشور با ایران ظاهراً از یک سو با همکاری در برخی پرونده‌های منطقه‌ای و بین‌المللی همراه بوده و از سوی دیگر، همواره تحت تأثیر مناسبات مسکو با غرب و تحولات گسترده‌تر نظام بین‌الملل قرار داشته است. به زبانی ساده‌تر: نگاه «کالامحور» مسکو به تهران در معاملات با غرب.

گره اورانیوم؛ مسئله‌ای فراتر از انتقال ذخایر

سرنوشت ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران یکی از حساس‌ترین موضوعات هر توافق احتمالی با ایالات متحده است. گزارش فایننشال تایمز از اختلاف بر سر ذخایر اورانیوم با غنای بالا و خواسته واشنگتن برای انتقال آن‌ها به خارج از ایران حکایت دارد. چنین موضوعی، به دلیل پیوند مستقیم با برنامه هسته‌ای، نظارت بین‌المللی و اعتماد متقابل، نمی‌تواند صرفاً یک مسئله فنی تلقی شود.

انتقال ذخایر هسته‌ای به کشور ثالث، در صورت طرح و توافق طرف‌ها، ممکن است بخشی از یک سازوکار دیپلماتیک باشد؛ اما نتیجه آن به جزئیات توافق، نحوه نظارت، تعهدات متقابل و تضمین اجرای مراحل مختلف بستگی دارد. بنابراین، صرف طرح چنین گزینه‌ای را نباید معادل دستیابی به توافقی با تضمین رفع تحریم‌ها دانست. ضمن این که تهران تاکنون با خروج اورانیوم از کشور مخالفت کرده است.

برای ارزیابی نقش امروز روسیه، نمی‌توان سابقه در دناک این کشور در مذاکرات هسته‌ای ایران با پنج بعلاوه یک را نادیده گرفت. مسکو ظاهراً در شکل‌گیری توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵، موسوم به برجام، مشارکت داشت ولی حاضر به امضایش نشد و در روزی که جوادظریف و جان کری به روی سن می‌رفتند، لاوروف عازم هواپیما بود به مقصد روسیه

هر چند در روایت‌های مربوط به میانجی‌گری روسیه، موضوع انتقال اورانیوم به خاک این کشور نیز مطرح شده است. با این حال، برای آن نسبت دادن یک پیشنهاد رسمی و مشخص به کرملین یا اعلام رد قطعی آن از سوی تهران، باید به اظهارات رسمی و گزارش‌های معتبر و قابل استناد رجوع کرد. تازمانی که چنین شواهدی در دست نباشد، صورت‌بندی دقیق تر آن است که انتقال ذخایر به خارج از ایران را یکی از گزینه‌های مورد بحث در مناقشه هسته‌ای بدانیم، نه توافقی نهایی یا ابتکاری که جزئیات آن به‌طور قطعی روشن شده است.

از منظر منافع ملی، معیار ارزیابی هر طرحی روشن است: آیا تعهدات طرف مقابل مشخص و قابل راستی آزمایی‌اند؟ آیا اجرای تعهدات متقابل به صورت مرله‌ای و متوازن پیش‌بینی شده است؟ و در صورت نقض توافق، چه ابزارهایی برای پیگیری حقوق و منافع ایران وجود خواهد داشت؟ پاسخ به این پرسش‌ها باید مبنای تصمیم‌گیری باشد، نه صرفاً هویت کشوری که پیشنهاد میزبانی یا میانجی‌گری را مطرح می‌کند.

تنگه هرمز؛ پیوند امنیت در یانوردی با مذاکرات سیاسی

تنگه هرمز در کنار پرونده هسته‌ای به یکی از کانون‌های اصلی بحران تبدیل شده است؛ آبراهی راهبردی که اختلال در تردد آن می‌تواند پیامدهایی فراتر از منطقه، از بازار انرژی گرفته تا زنجیره‌های تأمین جهانی، داشته باشد. براساس گزارش فایننشال تایمز، اختلاف تهران و واشنگتن بر سر ترتیبات دریایی، محدودیت‌های اعمال‌شده بر بنادر ایران و ترتیب اقدامات متقابل، از موانع اصلی پیشرفت مذاکرات است. گزارش آسوشیتدپرس نیز حاکی است که ایران آمادگی خود را برای بررسی بازگشایی تنگه در چارچوب توافقی که به رفع محاصره دریایی و حل اختلافات گسترده‌تر پیوند بخورد، اعلام کرده است؛

موضوعی که نشان می‌دهد امنیت دریانوردی از سایر پرونده‌های سیاسی جدانگشت.

پس در چنین شرایطی، نقش میانجی‌ها می‌تواند به تسهیل تبادل پیام‌ها، تدوین ترتیبات اجرایی و کاهش خطر محاسبات اشتباه محدود یا گسترش یابد. روسیه شاید در صورت خورداری از ظرفیت ارتباطی با طرف‌های مختلف، در این روند سهمی داشته باشد – البته تاکنون چنین ظرفیتی را از خود نشان نداده – اما موفقیت هر ابتکار به پذیرش طرف‌های اصلی و قابلیت اجرای توافق وابسته است.

از سوی دیگر، پیوندزدن امنیت دریانوردی با مجموعه‌ای از اختلافات هسته‌ای، تحریمی و منطقه‌ای، دستیابی به توافق را پیچیده‌تر می‌کند. هر چه موضوعات بیشتری در یک بسته واحد قرار گیرد، امکان ایجاد ارتباط میان امتیازها افزایش می‌یابد، اما خطر شکست کل توافق در صورت اختلاف بر سر یکی از اجزانش بیشتر می‌شود. برای ایران، مسئله اساسی آن است که هر

سفر پزشکیان به مسکو در شرایطی انجام می‌شود که کرملین بار دیگر می‌کوشد خود را به عنوان یکی از بازیگران اصلی میانجی‌گری در پرونده ایران معرفی کند. برای پوتین، این نقش صرفاً فرصتی برای کمک به کاهش تنش نیست؛ بلکه می‌تواند ابزاری برای افزایش وزن دیپلماتیک روسیه، حفظ کانال ارتباطی با واشنگتن و تقویت موقعیت مسکو در معادلات جنگ اوکراین باشد. اوکرین باشد. در چنین چارچوبی، پرونده هسته‌ای ایران و امنیت تنگه هرمز می‌توانند به موضوعاتی برای ارائه‌ی‌نی‌ گسترده‌تر روسیه با اروپا و آمریکا تبدیل شوند؛ هر چند میزان تحقق این سناریو به شواهد و نتایج عملی مذاکرات بستگی دارد.

با این حال، پرسش اصلی برای تهران این است که میانجی‌گری روسیه چه دستاورد مشخصی به همراه خواهد داشت و هزینه آن برای منافع ملی ایران چیست؟ تجربه تلخ برجام نشان داده است که نقش روسیه هرگز متضمن رسیدن به توافقی پایدار با غرب نشد و مسکو در جریان مذاکرات هسته‌ای نیز در لوی همکاری با ایران، ملاحظات خود را در روابط با غرب پیش می‌برد؛ واقعیتی عینی که ضرورت ارزیابی پیشنهادهای کرملین بر اساس نتایج عملی، نه صرفاً مواضع اعلامی، را برجسته می‌کند.

سفر پزشکیان به مسکو فرصت دیپلماتیک تهران با کاسبی مجدد پوتین؟

سفر پزشکیان به مسکو در شرایطی انجام می‌شود که کرملین بار دیگر می‌کوشد خود را به عنوان یکی از بازیگران اصلی میانجی‌گری در پرونده ایران معرفی کند. برای پوتین، این نقش صرفاً فرصتی برای کمک به کاهش تنش نیست؛ بلکه می‌تواند ابزاری برای افزایش وزن دیپلماتیک روسیه، حفظ کانال ارتباطی با واشنگتن و تقویت موقعیت مسکو در معادلات جنگ اوکراین باشد. اوکرین باشد. در چنین چارچوبی، پرونده هسته‌ای ایران و امنیت تنگه هرمز می‌توانند به موضوعاتی برای ارائه‌ی‌نی‌ گسترده‌تر روسیه با اروپا و آمریکا تبدیل شوند؛ هر چند میزان تحقق این سناریو به شواهد و نتایج عملی مذاکرات بستگی دارد.

با این حال، پرسش اصلی برای تهران این است که میانجی‌گری روسیه چه دستاورد مشخصی به همراه خواهد داشت و هزینه آن برای منافع ملی ایران چیست؟ تجربه تلخ برجام نشان داده است که نقش روسیه هرگز متضمن رسیدن به توافقی پایدار با غرب نشد و مسکو در جریان مذاکرات هسته‌ای نیز در لوی همکاری با ایران، ملاحظات خود را در روابط با غرب پیش می‌برد؛ واقعیتی عینی که ضرورت ارزیابی پیشنهادهای کرملین بر اساس نتایج عملی، نه صرفاً مواضع اعلامی، را برجسته می‌کند.

سفر پزشکیان به مسکو فرصت دیپلماتیک تهران با کاسبی مجدد پوتین؟

مکان، تبلیغات، تجهیزات، نیروی انسانی و فروش بلیت را تأمین کنند. مواجهه با پرونده قضایی و مسدودشدن ابزارهای ارتباطی پس از پایان نمایشگاه، بدون توضیح روشن درباره تخلف مورد بحث، می‌تواند به افزایش نااطمینانی در این حوزه منجر شود.

از سوی دیگر، اگر مقرراتی برای اجرای موسیقی، تئاتر، پرفورمنس یا سایر برنامه‌های جانبی وجود دارد، لازم است پیش از برگزاری به صورت دقیق و شفاف اعلام شود. برگزارکننده باید بدانند چه مسئولیتی دارد و نهاد ناظر نیز باید بتواند توضیح دهد که تصمیم‌هایش بر اساس کدام ضابطه اتخاذ شده‌اند. در غیر این صورت، مرز میان قانون، سلیقه و برداشت‌های متفاوت از «موازین» مبهم می‌ماند.

از تعطیلی هفته مد تا پرونده تئاتر: هنر در ایران چطور به مسئله قضایی تبدیل می‌شود؟

پرونده آر‌ت‌فیر تهران را باید در کنار مجموعه‌ای از برخوردهای قضایی و محدودیت‌های اعمال‌شده علیه رویدادهای فرهنگی و هنری در سال‌های اخیر بررسی کرد؛ برخوردهایی که در برخی موارد با مسئله حجاب اجباری آغاز شده‌اند و در موارد دیگر به محتوای اجرا، ارتباط بازیگران روی صحنه یا انتشار تصاویر یک اثر در فضای مجازی مربوط بوده‌اند. پیام مشترک این پرونده‌ها آن است که برگزاری یک رویداد عمومی یا اجرای اثر هنری، حتی اگر در فضای رسمی و شناخته‌شده فرهنگی انجام شود، لزوماً به معنای پایان مداخله نهادهای نظارتی و قضایی نیست. یکی از نمونه‌های نزدیک به آر‌ت‌فیر، «هفته طراحی تهران» است که آبان ۱۴۰۴ در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران برگزار شد. این رویداد با استقبال باردیدکنندگان مواجه شد، اما انتشار تصاویر حضور زنان بدون حجاب اجباری، اختلاط زنان و مردان و اجرای موسیقی، اعتراض گروه‌های نزدیک به جریان‌های اصولگرا را به دنبال داشت. بسیج دانشجویی دانشکده هنرهای زیبا به این رویداد اعتراض کرد و نمایشگاه در نهایت تعطیل شد.

در شهریور ۱۴۰۵، نمایش «تهران پاریس تهران/پل» به کارگردانی سعیددشتی نیز با مداخله قضایی روبه‌رو شد. پس از انتشار ویدیویی کوتاه از صحنه‌ای که در آن فاطمه مسعودی فر

«هنرمند مستقل» برگزار شد و در کنار نمایش آثار هنری، کارگاه‌های آموزشی، اجرای موسیقی، تئاتر و پرفورمنس آر‌ت‌انیز در بر می‌گرفت. حدیث‌فرد، مجری این دوره از نمایشگاه، از حضور هنرمندان جوان و باسابقه و ارائه آثاری از هنرمندان سراسد کشور سخن گفته بود.

این رویداد در چهار روز برگزار می‌شود، علاوه بر نمایش آثار، مجموعه‌ای از برنامه‌های اجرایی و هنری را در خود جای داده بود. بنابراین، آر‌ت‌فیر صرفاً یک نمایشگاه متعارف نقاشی و آثار تجسمی نبود؛ بلکه ترکیبی از نمایش و عرضه آثار، اجراهای زنده و برنامه‌های فرهنگی بود. همین تنوع برنامه‌ها نیز اهمیت روشن‌بودن مقررات و شرایط برگزاری را بیشتر می‌کند، زیرا الزامات مربوط به نمایش آثار تجسمی لزوماً با ضوابط ناظر بر اجراهای زنده یکسان نیست.

آر‌ت‌فیر تهران رویدادی تازه تأسیس نبود که برای نخستین بار در فضای عمومی ظاهر شده باشد. برگزارکنندگان آن پیش‌تر نیز دوره‌هایی از این نمایشگاه را برگزار کرده بودند. به عنوان مثال سومین دوره آر‌ت‌فیر در مرداد ۱۴۰۳ با باشگاه دیپلماتیک وزارت امور خارجه در تهران برپا شد. این سابقه نشان می‌دهد که با یک قالب شناخته‌شده در حوزه برگزاری رویدادهای هنری روبه‌رو هستیم و از همین رو مسئله اعلام جرم بعد از پایان رویداد بیشتر محل توجه قرار می‌گیرد. به هر حال وقتی یک رویداد طی چند سال و در مکان‌های مختلف برگزار می‌شود، انتظار می‌رود نهادهای مسئول درباره چارچوب قانونی آن، مجوزهای مورد نیاز و شرایط نظارت، توضیحي روشن و قابل پیگیری داشته باشند.

هنر مستقل، نظارت مبهم

آر‌ت‌فیر امسال با شعار «هنرمند مستقل» برگزار شد؛ شعاری که در شرایط کنونی فعالیت‌های فرهنگی در ایران معنایی فراتر از معرفی یک نمایشگاه پیدا می‌کند. استقلال هنرمند فقط به امکان خلق اثر محدود نیست؛ امکان عرضه عمومی اثر، ارتباط با مخاطب و فعالیت در چارچوب مقرراتی روشن و قابل پیش‌بینی نیز بخشی از آن است. هنرمندان و برگزارکنندگان، به‌ویژه در شرایط دشوار اقتصادی، برای برپایی یک رویداد عمومی ناچارند هزینه‌های

گزارش

از پرفورمنس هنری تا پرونده قضایی؛

ماجرای اعلام جرم علیه آر‌ت‌فیر تهران چیست؟

نمی‌دهد که دقیقاً کدام رفتار یا بخش از برنامه‌های نمایشگاه، از نگاه دادستانی مصداق تخلف بوده است. همین مسئله، پرسش‌هایی درباره مبنای هر برخورد قضایی، نحوه اطلاع‌رسانی درباره اتهامات و نسبت میان نظارت فرهنگی و مسئولیت کیفری ایجاد می‌کند.

آر‌ت‌فیر تهران چه بود و چرا خبر ساز شد؟

آر‌ت‌فیر تهران، رویدادی در حوزه هنرهای تجسمی است که با هدف نمایش و عرضه آثار هنرمندان، ایجاد ارتباط میان هنرمندان و مخاطبان و فراهم کردن فضایی برای معرفی و فروش آثار برگزار می‌شود. این رویداد با عنوان «کسپو آر‌ت‌تهران» نیز شناخته می‌شود و برگزارکننده آن گروه هنری نگار معرفی شده است.

پنجمین دوره این نمایشگاه از ۲۸ مهر تا اول آبان ۱۴۰۵ در مرکز نمایشگاهی ایران‌مال برگزار شد. براساس اطلاعات منتشرشده از سوی مجموعه ایران‌مال، برنامه امسال با شعار

پنجمین دوره آر‌ت‌فیر تهران با شعار «هنرمند مستقل» به پایان رسید، اما ماجرا برای برگزارکنندگان آن تمام نشد. دادستانی تهران از اعلام جرم علیه عوامل این نمایشگاه، احضار آنان به دادسرا و مسدودشدن سایت فروش بلیت و حساب کاربری برگزارکننده خبر داده است.

به گزارش رویداد ۲۴، تصاویر منتشرشده از اجرای پرفورمنس‌های هنری و حضور زنان بدون حجاب در نمایشگاه «آر‌ت‌فیر تهران» کار دست بر گزارکنندگان داد و دادستانی تهران علیه آنها اعلام جرم کرد. بنا به گزارش رسانه قوه قضاییه، در پی برگزاری این نمایشگاه در مجتمع تجاری ایران‌مال، به دلیل «عدم رعایت موازین قانونی و شرعی» علیه عوامل و دست‌اندرکاران آن اعلام جرم کرده است. در ادامه نیز سایت فروش بلیت و حساب کاربری برگزارکننده مسدود شده و شماری از افراد برای ارائه توضیحات به دادسرا احضار شده‌اند.

با این حال، اطلاعیه منتشرشده درباره پرونده، توضیح

